

اخبار فرهنگی

«صالحی» وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی شد

نمایندگان مجلس شورای اسلامی به سیدعباس صالحی به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی رای اعتماد دادند. سیدعباس صالحی گزینه پیشنهادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توانست با ۲۲۲ رای از مجموع ۲۸۸ رای ماخوذه، اعتمادنمایندگان مجلس را کسب کند.صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت دوازدهم بود.

□□□

محمد رسول اف رئیس هیأت داوران جشنواره فیلم بوسان شد

محمد رسول اف فیلم‌ساز و کارگردان ایرانی از سوی برگزارکنندگان جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان کره جنوبی به عنوان رئیس هیأت داوران بخش «جریان‌های نو» انتخاب شد.بر اساس اعلام وبسایت جشنواره بین‌المللی فیلم بوسان، هیأت داوران بخش رقابتی جریان‌های نو فیلم‌های کارگردانان نوظهور آسیایی از ژاپنی و دو فیلم برنده از انتخاب می‌کنند.وبسایت «اسکرین اینترنشنال» که به‌طور تخصصی اخبار سینمای جهان را پوشش می‌دهد در گزارشی به‌تفراز یکی از برگزارکنندگان جشنواره بوسان نوشته مسئولان «در حال تلاش انجام مقدمات سفر محمد رسول‌اف هستند.اما تاکنون هیچ چیز روشن نیست» گفته‌می‌شود رسول‌اف که پس از ترک ایران،اینک در شهر هامبورگ سکونت دارد و مدارک مسافرتی لازم برای سفر به کرهجنوبی را ندارد.این کارگردان سرشناس هنوز واکنشی به این‌موضوع نشان نداده‌است.

□□□

یک ایرانی، نامزد حزب دموکرات در انتخابات کنگره آمریکا شد

یاسمین انصاری، عضو ایرانی تبار شورای شهر فینکس در آریزونا، در یک کاندیداتوری در حزب دموکرات در انتخابات کنگره آمریکا شد. به گزارش سایت دیده‌بان ایران؛ یاسمین انصاری با اختلاف فقط ۳۹ رای در حوزه سوم رای گیری بخش ماریکوپا توانست را کول تران، عضو سابق مجلس ایالتی، را شکست دهد.او که در یک خانواده ایرانی در آمریکا به دنیا آمده پیش از این در سازمان ملل کار کرده‌و هم‌اکنون نماینده شورای شهر فینکس است.

□□□

«تامینا» از جشنواره شمالی هند جایزه گرفت

مهدی ارجمی، نویسنده و کارگردان فیلم کوتاه «تامینا» فیلم‌افتخار و نشان دهمین جشنواره شمالی هندوستان را دریافت کرد.به گزارش روابط عمومی فیلم کوتاه «تامینا»

اختتامیه دهمین دوره جشنواره بین‌المللی شمالی هندوستان که امسال میزبان چهره‌های شاخص سینمای هندو سراسر جهان بود، از سه سینماگر ایرانی با سه فیلم کوتاه،به‌اهدای دبیرم افتخار و نشان جشنواره تقدیر کرد.در خلاصه داستان فیلم کوتاه داستانی «تامینا» آمده‌است: «من خیلی بچه بودم.واسه تحمل اون همه درد» این اثر پیش از این در جشنواره‌های مختلفی موفق به نامزدی را دریافت جایزه شده‌بود.

عصر طلایی انیمیشن ایران در ملیورن پوینمایی «در سایه سرو» و هفت انیمیشن قدیمی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در هفتادومین جشنواره بین‌المللی فیلم ملیورن استرالیا نمایش داده می‌شود. به گزارش اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل کانون، انیمیشن موفق «در سایه سرو» ساخته مشترک شترین سوهانی و حسین ملایمی در بخش مسابقه فیلم‌های انیمیشن کوتاه جشنواره بین‌المللی فیلم ملیورن حضور دارد. هفت اثر کانون پرورش فکری شامل «شهر خاکستری» به کارگردانی فریدمشتمالی، «سایه زنده» به کارگردانی مرتضی ممیز، «اتل متل» و «دنیای دیوانه دیوانه» به کارگردانی نورالدین زرین‌لکک و فیلم‌های «رخ»، «من آتم که» و «ملک خورشید» به کارگردانی علی اکبر صادقی است که روز سوم شهریور ۱۴۰۳ (۱۲۴گوست ۲۰۲۴) به‌نمایش گذاشته خواهند شد. این تولیدات فاخر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گرایش زیبایی‌شناختی متفاوتی از سال‌های ابتدایی تولیدانیمیشن در ایران را آشکار می‌کنند. برخی از آثار الیام گرفته‌ از نقاشی مینیاتوری آثار علی اکبر صادقی است و برخی دیگر روحی نوگرایانه در فرایند نمایش می‌گیرند.همان‌طور که در آثار فریگور اوتیو تجربی فریدمشتمالی دیده‌می‌شود. هفتادومین جشنواره بین‌المللی فیلم ملیورن از ۱۸ مرداد تا ۴ تیر شهریور ۱۴۰۳ (۱۵تاساگوست ۲۰۲۴) در شهر ملیورن استرالیا در حال برگزاری است.

□□□

«در آغوش درخت» به جشنواره زوریخ راه یافت

فیلم‌سینمایی «در آغوش درخت» در ادامه حضورهای بین‌المللی به‌دهمین دوره جشنواره زوریخ کشور سوئیس رسید.به گزارش روابط عمومی فیلم‌فیلم‌سینمایی «در آغوش درخت» به کارگردانی بابک خواجه پاشا و تهیه‌کنندگی محمدرضا مصباح‌وسجاد نصرالهی نسب محصول سازمان سینمایی سوره و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در بخش رقابتی دهمین دوره جشنواره فیلم ایرانیان زوریخ به‌نمایش درمی‌آید. این جشنواره در نظر دارد که پلنفرمی برای ارائه فرهنگ و سنت ایران و ایجاد کنبده دل ارتباطی بین فرهنگ‌های مختلف در جهان با زبان مشترک «هنر» و به‌ویژه هنر هفتم؛ سینما باشد. دهمین دوره این رویداد امسال از ۱۲ تا ۱۹ سپتامبر، برابر با ۲۲ تا ۲۹ شهریور ماه سال جاری در شهر زوریخ سوئیس برگزار می‌شود.

□□□

حسین خانی بیک درگذشت

حسین خانی بیک بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون ۳۰ مردادماه از دنیا رفت. به گزارش ایلنا، او از ۱۸ مردادماه سال ۱۳۲۰ بود و چند روز پس از تولدش در سن ۸۳سالگی درگذشت. حسین خانی بیک بازیگر سرای‌های «مختارنامه» «شب دهم»، «روزگار جوانی» «چندیالی بود پس از ابتلا به کرونا مبتلا به بیماری آلزایمر شده بود و به تدریج قدرت تکلم و شناخت دیگران را از دست داده بود.



درگذشت حسین خانی بیک بازیگر سرای‌های «مختارنامه» «شب دهم»، «روزگار جوانی» «چندیالی بود پس از ابتلا به کرونا مبتلا به بیماری آلزایمر شده بود و به تدریج قدرت تکلم و شناخت دیگران را از دست داده بود.

درباره نمایشنامه «هتل پناهجویان» نوشته‌ی کارمن آگیره

چهره تابناک فیگور پناهجویی



محمد حسن خدایی

بار دیگر به میانه‌ی تئاتر می‌توان در باب سیاست این روزهای جهان اندیشید. سیاستی که از دل دولت-ملت‌ها بیرون آمده و به قول آگامبن سیمای یکتای آن «پناهنده» است. «در عصر اقبال بی‌امان دولت-ملت‌ها و زوال عموم مقولات حقوقی-سیاسی سنتی می‌توان گفت «پناهنده» یگانه‌چهره‌ی تصویرپذیری است که می‌توان از مردمان زمانه‌ی مابعدست‌داد، دست‌کم مادامی که هنوز فرآیند فروپاشی دولت-ملت و زوال حاکمیت آن به پایان نیامده است. «پناهندگی» یگانه مقوله‌ای است که امروزه می‌تواند چارچوبی برای درک صورت و حدود احتماعات سیاسی محتمل آینده فراهم سازد.» همچنین می‌توان بار دیگر و با استناد به کتاب شانتال موف با عنوان «بارگشت» مابسیاسی» در پی احیای سیاست راستین و رادیکال بود چراکه سرکوب امر سیاسی و به تبع آن انکار سوزّه سیاسی می‌تواند مقدمه‌ای باشد؛از برای بازگشت امر سرکوب شده و برآمدن آنتاگونیسم سیاسی. در جهان به غایت پیچیده و سرشار از تناقض امروز که کشمکش‌های قومی، مذهبی و نژادی به سیاست‌های هویت میدان داده و هر نوع «کلیت‌هایی‌بخش» که ادعایه حقیقت‌نارد (لیت می‌توان از وجه آنتاگونیسم در امر سیاسی گفت و جهانی تازه و عادلانه را تخیل کرد.

«هتل پناهجویان» کارمن آگیره نشان می‌دهد که همچنان وجدان معذب مردمان کشورهای توسعه‌یافته‌ی چون کانادا برای آسوده شدن می‌بایست میزبان طردشدگانی از سر تاسر جهان خاکی ما باشد که خود به تنهایی شجاعت مواجهه با گذشته‌هایی که به تدریج ادغام شده و بیش از آنکه دغدغه مبارزه سیاسی داشته باشند، دوست دارند در بازار جهانی موفقیت کسب کنند

و ترجمه خوب‌ماز پارنیستانی مشهوداست. روایت انسان‌هایی که تلاش دارند تا نوعی آنتاگونیسم‌سیاسی‌ا میراث آزادی‌وعدالت محافظت‌کنند.اما با کودتای پینوشه، گرفتار انواع و اقسام شکنجه‌های روحی و جسمی شده و مجبور می‌شوند به انزوا رفته یا ترک وطن کنند. «هتل پناهجویان» رامی‌توان به صحنه آوردن فیگور مهم تاریخ‌وسیاست‌این روزها دانست یعنی «پناهجو».نمایش نامه‌با این گفتار بصیرت‌افزای مانولیتای بزرگسال آغاز و به نوعی به پایان می‌رسد: «به خاطر آوردن این داستان شجاعت می‌خواه؛ فراموش کردنش شجاعت می‌خواه؛ فقط یه قهرمان می‌تونه اینس دوتارو با هم انجام بده.» بنابراین هتل پناهجویان تمنای بیان کردن امر بیان‌ناپذیر-در دقایقی از حیات سیاسی مردمان شیلی است که گرفتار هجوم تیروهای غارت‌گر سرمایه‌داری فاجعه‌به‌رهبری «پروچه‌های مکتب اقتصاد شیکاگو» شدند. صدادادن به بی‌صدایان تاریخ یا همان محذوفان همیشگی تاریخ موف با عنوان «بارگشت» مابسیاسی» در ظاهر امر این اثر مربوط است به مردمانی که از شیلی تحت کودتای ژنرال پینوشه به ونگوور کانادا مهاجرت کرده‌اند تا شاید با فراموشی گذشته یا حتی بیان آن، بار دیگر این امکان را بیابند که زندگی را از نو شروع کرده و شهروند عادل جهان سرمایه‌داری شوند. اما گذشته به مثابه امر سبری نشده، مدام از طریق کابوس، خاطره و زبان، سربری می‌آورد و اکنونیت آنان را به محاق می‌برد. بنابراین از یک منظر متفاوت این اثر ارمی‌توان گوشه‌ای از تاریخ سیاسی معاصر مردمان شیلی دانست که پس از کودتای یازدهم سپتامبر ۱۹۷۳ گرفتار انواع شوک درمائی‌های اقتصاد نئولیبرالی شده و همچون یک آزمایشگاه بزرگ برای اجرای تئوری‌های میلیون فریدمن در نظر گرفته شدند. ناموی کلاین در کتاب خواندنی و روشنگر «کترین شوک» به درستی اشاره دارد که «دیگاه فریدمن، اگر چه همیشه در لافقای از واژگان ریاضیات و علوم بیان می‌شد، ولی دقیقاً با منافع ابرشرکت‌هایی چندملیتی منطبق بود که، به‌اختصاصی طبیعتشان، تشنه بازارهای عظیم‌عاری از مقرارت بودند.» بی‌شک حضور آئنده در قدرت و گرایش‌های سوسیالیستی‌و در ملی‌کردن صنایع و مردمی‌کردن اقتصاد، به مذاق سرمایه‌داری جهانی خوش نمی‌آمد.

آنان در پی منکوب کردن تجربه موفق شیلی امریکای لاتین بودند تا الگویی برای دیگر کشورهای این منطقه نشود. بنابراین طراحی کودتا و ساقط کردن دولت آئنده، در دستور کار قرار گرفت. کودتا با موفقیت به‌اجرا گناشته شد و تلاش سازمان سیا و نیروهای تحت فرمان پینوشه در «شمن مردم» خطاب کردن آئنده، تا حدودی مورد اقبال توده مردم قرار گرفت. مرگ آئنده بیانی بر دموکراسی ریشه‌دار شیلی بود و آغازی بر دوران تاریک حکومت‌نظامی طرفداران مکتب اقتصادی شیکاگو، نامومی کلاین درباری سرکوب‌های پس از کودتا

می‌نوسد: «طرف مدت کوتاهی، سر تاسر شیلی این پیام را دریافت کرد که مقاومت در برابر نظامیان کودتاجی مرگبار است. با وجودی که کودتای پینوشه جنگی یک‌طرفه بود، ولی محصل آن عین نتایج ناشی از یک جنگ داخلی واقعی یا هجوم اجنبی بود؛ روی مهرفته، بیش از سه هزار و دویست نفر را سر به نیست یا اعدام کردند، دست‌کم هشتاد هزار نفر زندانی شدند و دویست هزار نفر به علل سیاسی از کشور گریختند.»

کارمن آگیره که در کودکی به اجبار شیلی را ترک کرد، در نمایش نامه‌ی «هتل پناهجویان» به زندگی چند نفر از پناهجویانی می‌پردازد که از حکومت تحت کنترل پینوشه می‌گریزند. تامدنی را در یک هتل لوکس در ونگوور بگذرانند و به تدریج در جامعه‌ی رهبری «پروچه‌های مکتب اقتصاد شیکاگو» شدند. صدادادن به بی‌صدایان تاریخ یا همان محذوفان همیشگی تاریخ رسمی مورد توثق نهاده‌های بین‌المللی.

در ظاهر امر این اثر مربوط است به مردمانی که از شیلی تحت کودتای ژنرال پینوشه به ونگوور کانادا مهاجرت کرده‌اند تا شاید با فراموشی گذشته یا حتی بیان آن، بار دیگر این امکان را بیابند که زندگی را از نو شروع کرده و شهروند عادل جهان سرمایه‌داری شوند. اما گذشته به مثابه امر سبری نشده، مدام از طریق کابوس، خاطره و زبان، سربری می‌آورد و اکنونیت آنان را به محاق می‌برد. بنابراین از یک منظر متفاوت این اثر ارمی‌توان گوشه‌ای از تاریخ سیاسی معاصر مردمان شیلی دانست که پس از کودتای یازدهم سپتامبر ۱۹۷۳ گرفتار انواع شوک درمائی‌های اقتصاد نئولیبرالی شده و همچون یک آزمایشگاه بزرگ برای اجرای تئوری‌های میلیون فریدمن در نظر گرفته شدند. ناموی کلاین در کتاب خواندنی و روشنگر «کترین شوک» به درستی اشاره دارد که «دیگاه فریدمن، اگر چه همیشه در لافقای از واژگان ریاضیات و علوم بیان می‌شد، ولی دقیقاً با منافع ابرشرکت‌هایی چندملیتی منطبق بود که، به‌اختصاصی طبیعتشان، تشنه بازارهای عظیم‌عاری از مقرارت بودند.» بی‌شک حضور آئنده در قدرت و گرایش‌های سوسیالیستی‌و در ملی‌کردن صنایع و مردمی‌کردن اقتصاد، به مذاق سرمایه‌داری جهانی خوش نمی‌آمد.

آنان در پی منکوب کردن تجربه موفق شیلی امریکای لاتین بودند تا الگویی برای دیگر کشورهای این منطقه نشود. بنابراین طراحی کودتا و ساقط کردن دولت آئنده، در دستور کار قرار گرفت. کودتا با موفقیت به‌اجرا گناشته شد و تلاش سازمان سیا و نیروهای تحت فرمان پینوشه در «شمن مردم» خطاب کردن آئنده، تا حدودی مورد اقبال توده مردم قرار گرفت. مرگ آئنده بیانی بر دموکراسی ریشه‌دار شیلی بود و آغازی بر دوران تاریک حکومت‌نظامی طرفداران مکتب اقتصادی شیکاگو، نامومی کلاین درباری سرکوب‌های پس از کودتا

«هتل پناهجویان» نشان می‌دهد که چگونه دیکتاتوری می‌تواند اخلاق مبارزه را زوال بخشیده و نیروهای سیاسی تحت فشار را نسبت به یکدیگر بدگمان کند. گفتگوی که مابین مانولیا و لیبیو در باب پدر و مادر شان، یعنی جورج چاقو و فلاکا در می‌گیرد حقیقتاً بصیرت‌افزاست

می‌نوسد: «طرف مدت کوتاهی، سر تاسر شیلی این پیام را دریافت کرد که مقاومت در برابر نظامیان کودتاجی مرگبار است. با وجودی که کودتای پینوشه جنگی یک‌طرفه بود، ولی محاصل آن عین نتایج ناشی از یک جنگ داخلی واقعی یا هجوم اجنبی بود؛ روی مهرفته، بیش از سه هزار و دویست نفر را سر به نیست یا اعدام کردند، دست‌کم هشتاد هزار نفر زندانی شدند و دویست هزار نفر به علل سیاسی از کشور گریختند.»

کارمن آگیره که در کودکی به اجبار شیلی را ترک کرد، در نمایش نامه‌ی «هتل پناهجویان» به زندگی چند نفر از پناهجویانی می‌پردازد که از حکومت تحت کنترل پینوشه می‌گریزند. تامدنی را در یک هتل لوکس در ونگوور بگذرانند و به تدریج در جامعه‌ی رهبری «پروچه‌های مکتب اقتصاد شیکاگو» شدند. صدادادن به بی‌صدایان تاریخ یا همان محذوفان همیشگی تاریخ رسمی مورد توثق نهاده‌های بین‌المللی.

«قویدل»؛ خوش ساخت و تاثیرگذار برای معرفی به اسکار ۲۰۲۵ است

روایتی مستند از پرورنده ورود خون‌های آلوده به ایران

رویکردی است که فیلم‌ساز به‌سینمایی مستند دل‌تشت و قویدل تری‌سری به‌موضوعات مختلف اجتماعی سیاسی اقتصادی جامعه است. علی‌فرهانی در قویدل از ظرفیت مستند نه فقط برای سرگرمی و آگاهی‌بخشی بلکه به جهت مطالعه‌گری و تغییر استفاده کرد. است‌نگاهی که به‌نظر در زمانه کنونی و با توجه به مشکلات عدیده اجتماعی اقتصادی در کشور لازم و قابل توجه است؛ نگاه استراتژیک به‌سینمای مستند.

در وهله بعد، مستند قویدل به معرفی و بازشناسی یکی از متفاوت‌ترین، شریف‌ترین و پر تلاش‌ترین چهره‌های معاصر جامعه ایرانی پرداخته است. در فیلم به خوبی شاهد تلاش‌ها و دغدغه‌مندی‌های احمد قوی‌دل به‌عنوان یکی از مسئولین صنفی هموفیلی در ایران هستیم. فیلم‌روایتگر مسیر پر فراز و فرود اما مصمم و امیدوارانه قویدل در احقاق حق پرورنده ورود خون‌های آلوده به ایران است.

بعد دیگر فیلم به موضوع خون‌های آلوده مربوط است. پرورنده خون‌های آلوده فرانسوی به ایران به‌زعم فیلم‌ساز و پژوهش‌گران این فیلم از جمله مهم‌ترین پرورنده‌های قضایی تاریخ معاصر ایران است که به‌موضوع ورود خون‌های آلوده به ایران از سوی فرانسه اشاره دارد. فیلم بر آن است تا در حین معرفی احمد قوی‌دل، این پرورنده مهم‌را از زبان روایات کند تا جایی که در برخی اوقات داستان احمد قویدل و خون‌های آلوده، در جهت‌دهنده است و برخی اوقات یکی بردیگری می‌چرید تا مخاطب از دو جهت هم‌راه و سیمت‌ابا مستند شود؛ نخست تلاش‌های مدیر کانون هموفیلی ایران برای احقاق حق بیماران و دوم، موضوع و چندو چون داروهای آلوده فرانسوی که از ب‌بسم‌الله نون پایان آن در این مستند به‌تماشاکر معرفی و تبیین می‌شود.

علی‌فرهانی صدر، کارگردان این فیلم، درباره سوز‌های مستند و موضوع جنجالی خون‌های آلوده گفته‌است: «باور و رویوس کردن‌ار اواخر سال ۹۸ و خبر بازداشت ۲ خبرنگار قومی بواسطه انتشار شایعات تفریامون فراگیر و ویروس کرونا، علی‌رستم آبادی که قبلاً روی موضوع داروهای آلوده کار کرده بود، پیشنهاد کرد فرصت مناسبی است تا به این موضوع بپردازیم و با در نظر گرفتن این ایده و درون‌مایه که سرپوش‌گناختن روی اتفاقات کوچک منجر به بحران‌های بزرگ می‌شود، تصمیم گرفتیم روی موضوع داروهای آلوده کار کنیم. وقتی به‌صورت جدی پژوهش در حوزه ورود داروهای آلوده و کنترل آن را آغاز کردیم، در تمام پژوهش‌ها به نام احمد قوی‌دل برخورد می‌لذا از او برای گفت‌وگو دعوت کردیم و احمد قوی‌دل که در ابتدا به سختی برای گفت‌وگو حاضر شد پس از چهار جلسه با ما راحت‌تر بود و علاوه بر پرورنده خون‌های آلوده مسایلی شخصی زندگی خود را بیان کرد و این آشنایی با زندگی و تلاش‌های احمد قوی‌دل منجر به این شد که موضوع خود را تغییر دهم و به این جمع بندی رسیدیم این مشکلات کوچک و بزرگ نیستند که مهم هستند بلکه این کش‌ش‌ها و واکنش‌های مادر

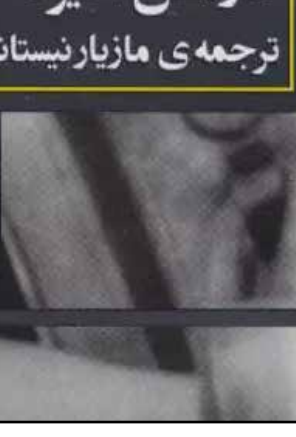


نمایشنامه ۳

هتل پناهجویان

کارمن آگیره

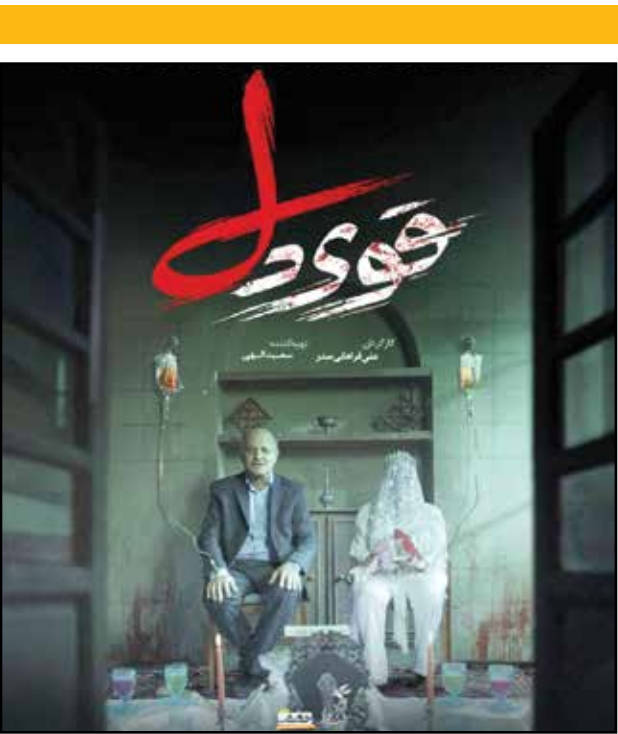
ترجمه‌ی مازیار نیستانه



چگونه دیکتاتوری می‌تواند اخلاق مبارزه را زوال بخشیده و نیروهای سیاسی تحت فشار را نسبت به یکدیگر بدگمان کند. گفتگوی که مابین مانولیا و خوزه لیبیو در باب پدر و مادر شان، یعنی جورج چاقو و فلاکا در می‌گیرد حقیقتاً بصیرت‌افزاست. آن جایی که خوزه لیبیو والدینش را خیانت‌کار می‌نامد و مبارز تششان را امری عبث و خطرناک می‌داند که نتیجه‌ای نداشته به غیر از فنا شدن دوران خوش کودکی چشم‌اندازی که نمایشنامه ترسیم می‌کند گویی یک عکس‌دسته جمعی است از ژست‌های عده‌ای پناهجو برای ثبت در تاریخ. ابتدا و انتهای نمایش نامه، بیست و چند سال از آن عکس‌دسته جمعی گذشته‌و این «مانولیا» است که امکان می‌یابد آن را تصویر ثابت جدا شده و در باب آینده به مخاطبان گزارش دهد. آینده‌ای که از این پناهجویان سابق و شهروندان فعلی ترسیم می‌شود، یک زندگی نرمال را نشان می‌دهد که دیگر خبری از شکنجه، مبارزه، انقلاب و کودتا در آن نیست. حال نه‌با پناهجویان که به‌باشروندانی به‌نسبت موفق‌روبر و هستیم که خود را اهل جهان آزاد تحت مناسبات سرمایه‌داری



فرض می‌کنند. شانتال موف زمانی متذکر شده بود که دست‌دادن خاطره‌ی جمعی چیزی شگفتانگیز و شادای او نیست و از این رو همواره آسیب‌زاد و دردناک است. اما برای پناهجویان سابق و شهروندان فعلی، چه فراموش کردن و چه به یاد آوردن گذشته شجاعت می‌خواهد. به قول مانولیتا در بزرگسال «فقط به قهرمان می‌تونه این دوتارو بسام انجام بده.» گویا فراموشی دسته‌جمعی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است برای پناهجویانی که به اجبار وطن خویش را ترک کرده و به دام جهان آزاد پناه برده‌اند. اما هتل پناهجویان کارمن آگیره نشان می‌دهد که همچنان کارمن معذب مردمان کشورهای توسعه‌یافته‌ی چون کانادا برای آسوده شدن می‌بایست میزبان طردشدگانی از سر تاسر جهان خاکی ما باشد که خود به تنهایی شجاعت مواجهه با گذشته را دارند. همان سوز‌هایی که به تدریج می‌آموزند در وضعیت تازه ادغام شده و بیش از آنکه دغدغه مبارزه سیاسی داشته باشند دوست دارند در بازار جهانی مشارکت کرده‌و به‌یاقبت با دیگران بر خاخته‌و موفقیت کسب کنند.



برابر آنها است که اهمیت دارد از همین رو پروژه پیش‌رو رو تر احمد قوی‌دل کلید خورد. «در ابتدا ۱۲ اپیزود نوشتیم و در نهایت ۵ اپیزود تولید کردیم، اما احمد قوی‌دل با ورود به پرورنده خون‌های آلوده تقریباً دیگر در منزل حضور فعالی ندارد و همسروی آتلیه راه می‌کند. لذا اصلاً متریا لزم برای روایت زندگی شخصی احمد قوی‌دل حین پیگیری پرورنده خون‌های آلوده وجود ندارد چرا که او تمام زندگی شخصی خود را صرف پیگیری پرورنده کرده‌است. همچنین ریسک تولید کار کم‌دی در بستر تراژیک برای ما وجود داشت و نگرانی‌هایی از اینکه فیلم‌نامه توسط مدیران رد شود. لذا روایت کلی فعلی را رقم زدیم. معتقدیم فرم ناآشنا همان فرم است بلکه از نقطه‌ای نور صحنه و اکت‌های سوز‌تعبیری می‌کند؛ بسته به صحبت‌ها و نحوه روایت آقای قوی‌دل، نماها را تنظیم می‌کردم و این تلاش برای حفظ فرم سخت بود به‌عنوان مثال سخت‌است که سوز‌ه را سر سفره عقد بنشانید و عقداور ابا بازسازی کنید.»